

همسازی اصول و بنیان خانواده در اسلام و سیاست حقوقی ایران

چکیده

خانواده در دین اسلام به عنوان یکی از لوازم حیات جوامع اسلامی و سازنده خرده‌نظامهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... در آن معرفی شده است. آنچه از اهداف و شاخصها، که موجب تشکیل خانواده و بقای آن و تمایز آن از دیگر تشکلهای بشری می‌شود و ریشه در نیازهای مادی و معنوی انسان دارد، اصول و بنیانهای خانواده را تشکیل می‌دهد. در ایران به تاسی از اسلام، قوانین مدنی و سیاست‌های کلی متعددی در راستای تحکیم و تقویت کيان خانواده وضع گردیده است. مقاله پیش رو به بررسی و مقایسه اصول و بنیان خانواده از منظر فقه اسلام و آنچه در حقوق ایران تدارک دیده شده پرداخته است. مساله اصلی این پژوهش بررسی و تطبیق همسازی سیاستها و قوانین جاریه جمهوری اسلامی ایران با آموزه‌های اسلام است. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: اصول خانواده، تحکیم، اسلام، حقوق ایران، سیاستهای کلی

The compatibility of family principles and foundations in Islam and Iran's legal policy

Abstract

In Islam, the family is as one of the prerequisite for survival of Islamic societies and the creator of social, political, economic, and other sub-systems. What of the goals and indicators, which causes the formation of a family, and its survival and its distinction from other human organizations are considered to be rooted in the material and spiritual needs of man, it forms the principles and foundations of the family. In Iran, based on Islam, many civil laws and general policies have been established in order to consolidate and strengthen the family. This article examines and compares the principles and foundations of the family from the perspective of Islamic jurisprudence and what is provided in Iranian law. The main problem of this research is to examine and compare the compatibility of the current policies and laws of the Islamic Republic of Iran with the teachings of Islam. This research was done with descriptive-analytical method and referring to library sources.

Keywords: family principles, consolidation, Islam, Iranian law, general policies

1- مقدمه و بیان مساله:

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی مفهومی انتزاعی است که در محدودترین گستره مفهومی خود با ازدواج میان مرد و زن شکل یک واحد حقوقی که لااقل از یک زن و مرد که بین آن‌ها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده، ناشی می‌شود. یکی از عمومی‌ترین تعاریف نظری از خانواده عبارتند از گروهی از افرادی که از طریق روابط نَسَب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط نزدیک هستند و فرهنگ و اجتماعی مشترکی بوجود آورده‌اند. بطور قطع، مهمترین اعضای خانواده را زن و شوهر تشکیل می‌دهند که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و سپس بوسیله این پیوند، تشکیل فرزند و یا فرزندان می‌دهند (بهشتی، 1361، ص 4). در نهایت با ازدواج فرزندان، خانواده به شاخه‌های متعدد و بزرگی تبدیل می‌گردد. خصوصیات و ویژگی‌هایی از خانواده اصلی به سایر شاخه‌های دیگر خانواده به صورت فرهنگ و موروثی انتقال پیدا می‌کند و این میراث نیز به جامعه سرایت می‌کند. از این رو اکنون مشاهده می‌شود که در قوانین اساسی و مقررات داخلی مصوب پارلمان کشورها در عرصه بین‌المللی نیز در قالب تدوین عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به جایگاه خانواده اهمیت داده می‌شود (ر.ک: محمدزاده اصل، 1395).

آنچه در ترسیم اصول و لوازم برقرار ماندن این اصول در این ساختار بنیادین کوچک باید مدنظر قرار گیرد، در واقع جهت‌گیری کلی شرع و قوانین موضوعه را ترسیم خواهد کرد که تعریف و انتظارات و ارکان تشکیل و بقای خانواده در آن جای می‌گیرد. برای مثال با نگاه ساختاری، روابط زناشویی مرهون تساوی و هم‌شانی بیشتر زن و شوهر در دین و اخلاق دانسته شده است (زرعی و عبدالکریمی، 1387، ص 97) و از طرفی در قانون مدنی ایران که برگرفته از فقه اسلام است، ریاست خانواده بر عهده مرد و او موظف به پرداخت نفقه و مهریه شده است (سادات نعیمی و همکاران، 1393، ص 229).

آنچه باعث پدید آمدن و بقای ساختارها می‌شود، نیاز و ملازم آن نظم حاکم بر ایفا و استیفای حقوق است. لذا دین اسلام نیز هدف و انتظار از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد (ر.ک: حسن‌زاده، 1392). همچنین مکتب اسلام، خانواده را

کانون نظم و انضباط، سلسله مراتب، تابعیت و متبوعیت و همکاری و همیاری و وحدت اعضا می‌داند(ر.ک: پنداشته و همکاران، 1397). بطور مثال اگر فرزند خانواده به درستی تربیت نگردد و با آموزه‌های اسلامی در راستای درست زندگی کردن آشنا نگردد، قطعاً در مواجهه با جامعه و اجتماعی که در آن زندگی میکند یا ارزش‌ها و ناهنجارهایی جامعه به او سرایت می‌کند یا اینکه بر اثر تربیت نادرست، یک مجموعه از ناهنجاری‌ها را در جامعه پیدا می‌کند و مجموعه‌ای از این ناهنجاری‌ها در جامعه رواج پیدا می‌کند و در نهایت جامعه به مرور زمان به انحطاط کشیده می‌شود. ولی اگر در خانواده‌ای برنامه‌های مدون و مستمر و نحوه درست زندگی کردن به فرزندان آموزش داده شود، برای فرزندان برنامه آموزشی درسی و غیردرسی(در ارتباط درست رفتار کردن در جامعه)، برنامه‌های ورزشی و تفریحی صحیح، تدوین شده باشد، بطور حتم چنین فرزندی می‌تواند تاثیر مثبتی بر جامعه داشته باشد و می‌تواند برای جامعه افتخار آفرینی، خدمت رسانی نماید. این چنین می‌شود که جامعه در مسیر رشد و ترقی قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در آموزه‌های اسلامی و همچنین در جامعه ایرانی، سیاست‌ها، قوانین متعددی در راستای تحکیم و حمایت از خانواده ارائه و تدوین شده است.

از دیدگاه آیات، روایات و مباحث مطرح شده در تدبیر منزل توسط حکمای اسلامی، آنچه در خانواده مهم و حیاتی است نوع روابط و تعاملات افراد از حیث هنجارها و ارزش‌هایی که در خانه حاکم است، نوع تقسیم کار و روابط عاطفی، نوع رابطه و تعامل اقتصادی است. از این رو، نهادی که در جامعه مهم است، به نوبه خود برای تحکیم و تقویت و ترقی خود نیازمند روابط و اصول بنیادین می‌باشد که بتواند طی فرآیند زمانی بوسیله سازوکارهای متعددی، کیان این نهاد را استحکام دهند. در اسلام از این اصول به عنوان عوامل موثر بر تحکیم خانواده نیز نام می‌برند.

این تحقیق، ابتدا آنچه اصول و بنیان خانواده به مثابه‌ی یک ساختار است را برمی‌شمارد، که بدو تشکیل یک ازدواج مطلوب و لوازم آن و سپس پایدار ماندن آن است. در این اثنا به شرح تضايف شرع و قوانین در این زمینه پرداخته خواهد شد.

2- اصول بنیادین موثر در خانواده/تحکیم خانواده از منظر دین اسلام

در هر جامعه، هر نهادی مسئول یک فرآیند و وظیفه می‌باشد. نهادهای فرهنگی، سیاسی، ساختاری و اداری، اقتصادی، اجتماعی و ... این در حالی است که خانواده را می‌توان زیربنای همه آنها دانست و از آن به عنوان یک نهاد فرهنگی-اجتماعی و حتی در برخی از موارد آن را اقتصادی-سیاسی دانست. از طرفی سبب تقویت نهادهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی مرتبط با خانواده در جامعه می‌گردد. انسان‌ها در زندگی خود در سطح جامعه بر همدیگر تاثیر گذار هستند و این تاثیر گذاری در سطح خانواده دارای شدت بیشتری خواهد بود. در یک خانواده، با توجه به رابطه‌ای که اعضای خانواده با هم دارند، تاثیر مستقیمی بر شکل‌گیری شخصیت، خلق و خوی، رفتار، همدیگر دارند. از این رو لازم است عوامل تشکیل و تحکیم خانواده در منابع اسلام و در مطالعه تطبیقی با برنامه‌ها، قوانین و سیاست‌های داخلی کشور در راستای تحکیم اصول بنیادین خانواده تشریح شود.

2-1- ازدواج (مرحله تشکیل)

اسلام با دعوت به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به یک نیاز ذاتی و طبیعی پاسخ مثبت می‌دهد و متعاقب آن پیوند زناشویی را عامل اصلی زاد و ولد می‌داند و آن را بقای زندگی و نسل‌های آینده می‌خواند. از طرفی ازدواج باعث گسترش اجتماع و باعث بهره‌برداری افراد در جامعه می‌شود. آرامش جسمی، معنوی، روحی، اخلاقی، فکری در سایه تشکیل ازدواج فراهم می‌گردد و لذا باید آنقدر آگاهانه و هدفمند و قوی باشد که بر اثر عواملی کم ارزش، پیوند زناشویی از هم گسسته نگردد. چنین ازدواجی است که می‌تواند نصف دین را تکمیل کند؛ «من تزوج فقد احرز نصف دینه...» (طبرسی، 1370، ص 196) و چنین ازدواجی مایه مباهات پیامبر اسلام در ازدیاد نسل مسلمین خواهد بود. ازدواجی که سبب ازدیاد مسلمانان با هدف پیروی از سنت پیامبر، گشودن درب‌های الهی، رضایت الهی، سود و بهره، پاکدامنی و حفظ عفاف باشد (ر.ک به: بحرینی، 1378). لذا اولین عامل در تشکیل خانواده و ازدواج بایستی با گام‌های متقن باشد. این اتقان به عهده کیست؟ به نظر می‌رسد مطابق ادله دینی سرپرستان خانواده و حکمرانان در کنار خود دختر و پسر وظایفی در این باره دارند. در قرآن کریم آمده است:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَلَيْسَتَّعْفُفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... [مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد.» (نور/32 و 33).

در این آیه بنا به دلالت فعل امر «وَأَنْكِحُوا»، به روشنی امر به ازدواج دادن شده و نه ابتدائاً ازدواج کردن افراد. گویی نیازی نبوده تا به یک کشش فطری بین دختر و پسر امر شود، بلکه نیاز بوده به بسترسازی و تسهیل این عقد مقدس توسط دیگران برای افراد مجرد تاکید شود. و در صورت عدم چنین حمایتها و تبعاً بسترسازی‌ای، خود افراد مجرد به عفت پیشه کردن دعوت شده‌اند.

در منطق قرآن، ازدواج با دیگر روابط انسانی و قراردادهای دیگر فرق دارد که قرآن کریم آن را میثاق غلیظ می‌نامد (نساء / آیه 21). از آیات و روایات مربوط به ازدواج این مطلب اساسی و مهم فهمیده می‌شود که ازدواج چنانچه بر اساس شرایط و آداب و ضوابط شرعی، عقلی و قانونی و عرف و سنت معقول و فطری انجام شود باعث سلامت، امنیت، معنویت و سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد و از بسیاری از آفات و بیماری‌های جسمی و روحی فردی و خانوادگی و اجتماعی پیشگیری می‌کند و آثار و فواید بسیاری به دنبال دارد. لذا همه اینها نیاز به تدبیرهای متقن قبل از ازدواج دارد.

2-1-1-آمادگی و تناسب شخصیتی

با عنایت به اینکه تعارضات زناشویی نقش اساسی و کلیدی در ناپایداری و عدم ثبات کانون خانواده بر عهده دارند (بی باک و همکاران، 1396) بایستی قبل از ازدواج این موارد مورد سنجش واقع شود. مواردی چون تضاد علایق و سلیقه‌ها، تضاد میان اولویتهای افراد، تضاد میان منافع و یا از نگاهی دیگر به دلیل حس امتیاز جویی، جاه طلبی، خودخواهی و خودبینی، برتری طلبی و از این دست عوامل در افراد (شجاعی و رحمان سرشت، 1395). بنا به اظهارات پژوهشگران حوزه تقنین خانواده، خلا الزام به مشاوره‌های قبل از ازدواج در قوانین، در فروپاشی خانواده‌ها و افزایش آمار طلاق مشهود است (خاکی، 1401، ص 313). لذا علیرغم

اینکه در بند 10 سیاستهای کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری آمده به ضرورت آن اشاره شده است: «ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی-ایرانی در جهت استحکام خانواده»؛ اما همچنان به نظر می‌رسد بین ضرورت‌های مورد بیان اسلام و حوزه قوانین عادی، در غلیظ و متقن شکل گرفتن عقد ازدواج از حیث مهارت‌های فردی و روانشناختی و به طور کلی کفویت طرفین ازدواج هنوز همسازگی کافی در عمل وجود ندارد.

2-1-2- آمادگی اقتصادی

در باب آمادگی اقتصادی برای تشکیل زندگی علاوه بر آنچه خانواده‌ها وظیفه دارند، حکومت اسلامی در قالب تسهیلات متکفل این آماده‌سازی است. بند 9 سیاستهای کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری بدان صریحاً اشاره نموده است: «ارتقاء معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن». قوانین بودجه سالانه نیز عمدتاً این تدابیر را ملحوظ می‌دارد، هرچند گاهی این قوانین در اجرا بالفعل نمی‌شوند. برای مثال بند الف تبصره 16 قانون بودجه 1402 تسهیلات ذیل را برای انعقاد ازدواج تدارک دیده بود که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس میزان توفیق آنها به شرح ذیل است:

تسهیلات قانون بودجه 1402 کل کشور در 4 قسم «تسهیلات قرض الحسنه ازدواج»، «تسهیلات قرض الحسنه تولد فرزند»، «تسهیلات قرض الحسنه ودیعه خرید و جعاله مسکن»، «تسهیلات مرتبط با جهیزیه ایرانی»، و احکام تنظیمی مرتبط با این تسهیلات است. 57 درصد متقاضیان این تسهیلات قرض الحسنه موفق به دریافت وام خود شده‌اند. بررسی عملکرد شبکه بانکی نشان از تحقق 13 درصدی منابع تخصیص داده شده به این بند در بانکها دارد که مثبت ارزیابی نمیشود. تسهیلات جهیزیه ایرانی در 8 ماه نخست سال جاری به دلایلی چون عدم استقبال زوجین ابهام در مواردی همچون سقف فردی تسهیلات مدت زمان بازپرداخت شرایط مشمولین عدم تفاهم بانک‌های عامل و نهادهای مربوطه عملاً فاقد تحقق بوده است (ارحامی و باجلان، 1402، ص1). از این رو فضای تقنینی کمک به تشکیل خانواده مثبت بوده اما

شرایط و تدابیر اجرایی منطبق بر اغراض شرع مقدس به حمایت کامل منجر نمی‌ود که نیازمند آسیب شناسی است.

2-2- محوریت اخلاق

تضمین محوریت اخلاق در روابط یک اجتماع کوچک از ارکان معنوی شدن آن به خانواده به معنای اتم و باکیفیت آن است. مراد این نیست که در نهادهایی غیر از خانواده (مانند شرکتهای، تعاونی‌ها، احزاب و ...) اخلاق مهم نیست، بلکه غلبه اولویت و اصالت و آنچه ستون برپایی و بقای این جامعه کوچک قلمداد می‌شود، وجه تمایز خانواده با دیگر جوامع خرد کوچک است. با توجه پیشینه نظری اسلام در حوزه اخلاق می‌توان نتیجه گرفت که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است. بنابراین، انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و عیب است، طالب حضور در مکانی به نام خانواده و استحکام روابط اعضای آن می‌باشد. به طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی است (حسن زاده، 1392: 47). در خصوص اخلاق نیکو در سطح جامعه نیز تاکید شده است که داشتن اخلاق نیکو در سطح اجتماع در گروهی داشتن اخلاق در سطح خانواده می‌باشد. پایبندی به اصول اخلاقی در جامعه فقط در زمانی رخ می‌دهد که پایبندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اخلاقی در سطح خانواده توسط اعضای خانواده اتفاق افتاده باشد.

روابط خوب و نیکو در خانواده، در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورات اخلاقی تعیین می‌شود. در آموزه‌های حیات بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و به زنان درباره‌ی بزرگداشت همسر بیان شده است. از مصادیق تکریم همسر می‌توان به سلام کردن متقابل با روی خوش، رعایت ادب و احترام متقابل همسر، استقبال و مشایعت شوهر، قدردانی و سپاسگزاری از همسر، ... می‌توان اشاره کرد؛ که همین اعمال ساده در توصیف رسول خدا برابر نیمی از اجر شهادت در راه خداست. آنچه‌ان که در روایتی آمده است: «وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَ إِذَا خَرَجْتُ شَيَّعَتْنِي وَ إِذَا رَأْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يُهْمُكَ إِنَّ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نَصْفٌ

أَجْرِ الشَّهِيدِ... شخصی خدمت پیامبر گرامی اسلام شرفیاب شد و عرض کرد: «همسری دارم که وقتی به خانه می آیم به استقبالم می آید و مرا در بر می گیرد و چون از خانه بیرون می روم مرا بدرقه می کند و هرگاه مرا غصه دار می بیند، می گوید: چرا غصه می خوری؟ اگر برای رزق و روزی غصه می خوری، خداوند ضامن رزق و روزی است؛ و اگر برای آخرت غصه می خوری، خداوند زیادش کند! پیامبر(ص) به او فرمود: «خداوند در زمین کارگزارانی دارد که این زن تویکی از آنها است و خداوند نصف اجر شهید را به او می دهد»(ابن بابویه، 1404، ج 3، ص 389).

از این دست روایات بقدری فراوان است که مبتنی بر آن بطور کلی می توان گفت که از منظر اسلام استمرار استحکام کیان خانواده نیاز به بسیاری از عوامل دارد و اخلاق در خانواده و مراودات نیکو در خانواده جزو یکی از اساسی ترین عوامل در تحکیم روابط خانوادگی است. لذا می توان دریافت که میزان محوریت اخلاق در عدم گسست نهاد خانواده آن را از دیگر نهادهای انسانی متمایز می کند. مولفه های موجود در خانواده با وجود این دسته از حقوق و تکالیف اخلاق محورانه، به استحکام این کانون مقدس می پردازند. به همین منظور به برخی از احکام فقهی و حقوقی از قبیل حقوق و تکالیف والدین و فرزندان و روابط حاکم بر زن و شوهر در خانواده با رویکرد اخلاقی پرداخته شده است.

پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) در حدیثی، اصل شایسته بودن نفقه را وظیفه اخلاقی و حسن معاشرت مردان دانسته است (حرعاملی، بی تا، 230). همچنین براساس ماده 1103 قانون مدنی زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت داشته و ادامه آن نیز داشتن معاضدت نیکو زن و مرد را در تشدید مبانی خانواده ضروری دانسته است. در آیه 34 سوره مبارکه نساء، وفاداری زن را یک اصول اخلاقی در راستای استحکام خانواده دانسته است. همچنین در آیاتی از قبیل نساء/36، انعام/151، اسراء/23، عنکبوت/8، در باب احسان به والدین از طرف فرزندان، محبت و مودت (سوره روم/21) را نیز رویکرد اخلاقی در خانواده برای حفظ بنیان خانواده مطرح کرده است.

2-3- تعیین تکالیف و حقوق زن و مرد

در بسیاری از موارد، در جوامع ملاحظه می شود که نظام خانوارها در هر کشور یا در هر منطقه با مشکلات و چالشهایی مواجه شده‌اند که استحکام بنیان خانواده را به خطر می‌اندازد. در تحکیم خانواده یکی از اصول که لازم است و اسلام و حقوق ایران نیز بدان تاکید دارد، ناکافی بودن ضمانت اجرای اخلاقی و عاطفی است، بلکه در مواردی وجود چارچوبهای الزام آور نیز برای حفظ کیان خانواده رکنیت دارد. از این رو فقه اسلامی اهداف، برنامه ها و وظایف زن و مرد را برای تحکیم بنیان خانواده مشخص کرده است. در این راستا وضع قوانین و مقررات لازم در جهت آسانسازی تشکیل خانواده و شفافسازی شرایط آن، وظایفی هستند که قانون اساسی به عهده دولت گذاشته است.

برای نمونه مشخصاً تعیین کرده است که مرد به عنوان سرپرست و رییس خانواده (ماده 1105 قانون مدنی) وظایف مختلفی به عنوان همسر و پدر در رشد و تعالی خانواده و تحکیم بنیان آن برعهده دارد و مادر نیز در مقام معاون و یاور او (ماده 1104 قانون مدنی) علاوه بر وظیفه همسر داری و مادر بودن وظایف مدیریتی مختلفی از جمله قناعت، کمک به شوهر، رازنگهداری، پشتیبانی از همسر را برعهده دارد (انهاری، 1395). از طرفی برای فرزندان نیز وظایفی تعیین شده است که در راس آنها، نیکی به پدر و مادر مطرح است و آن را سرلوحه کلیه وظایف می‌داند. بطور کلی احترام متقابل اعضای خانواده به همدیگر را وظیفه همگانی در خانواده می‌داند.

قانونگذار در مواد مختلفی از جمله در ماده 1103 قانون مدنی این اخلاق مداری را به عرصه الزامات قانونی کشانده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». این چنین موادی ارشادی و صرفاً دارای ضمانت اجرای اخلاقی قلمداد نشده و ضمانت اجرای این ماده نیز در نشست قضایی مشورتی هیات عالی در تاریخ 1397/11/17 بیان شده که عبارت است از ایجاد یا زوال حق مسکن یا وکالت در طلاق یا طلاق عسر و حرجی برای زن یا مرد (موضوع مواد 1115 و 1119 و بند 4 تبصره ماده 1130 قانون مدنی).

2-3-1- زیرساختهای حقوقی اصول بنیادین خانواده

توافق عمومی بر سر این موضوع که نهاد مقدس خانواده منبع و منشاء و بستر اول حرکت تدریجی و ترقی انسانها می باشد و سپس باعث پرورش آنها در سطح جامعه می شود باعث شده است جهت حمایت از آن اصول و سیاستها و قوانینی مطرح گردد که بخش عمده ای از آن جزو وظایف حکومت اسلامی می باشد و با توجه به اینکه مفهوم خانواده و اصول آن در عصر جدید با سایر اعصار متفاوت شده است لذا مقتضی است متناسب با زمان و مکان در جهت تحکیم آن از نظر حقوقی تاسیس های قانونی انجام شود. مقننین قانون اساسی جمهوری ایران، با تاکید بر اهمیت این موضوع، در اصول متعدد تلاش در ارج نهادن به این نهاد اجتماعی مقدس داشته و مجلس شورای اسلامی و سایر سازمانهای متکفل سیاست گذاری های عمومی را مکلف نموده است تا با وضع و تدوین مقررات موضوعه، این نهاد عالی را متعالی سازند.

در اصل 10 قانون اساسی، خانواده را یک واحد بنیادین جامعه معرفی کرده است و بیان داشته است که کلیه قوانین مربوط باید در جهت حفاظت از قداست و پایداری اصول خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در اصل 20 نیز به تساوی حقوق زن و مرد در جامعه در کلیه زمینهها اشاره کرده است و در اصل 21 نیز به حمایت حقوق زنان در خانواده و جامعه اشاره کرده و ایجاد دادگاه صالح را برای حفظ کیان و بقای خانواده ضروری دانسته است. این بدان هدف است، که زن به عنوان یکی از پایهها در تکوین و بقای خانوادهها، به استناد به این اصول حمایت گردد. از طرفی در چند بند از سند چشم انداز نظام جمهوری اسلامی ایران در افق 1404، و ابلاغیه سیاستهای کلی برنامههای چهارم توسعه به تقویت نهاد خانواده و اصول آن توجه ویژه ای نموده است.

فلسفه ایجاد زیرساختهای حقوقی توسط حاکمیت اسلامی برای حمایت از تشکیل و سپس تحکیم خانواده وجود و بروز مسائلی در خانواده هستند که مقوم یا تضعیف کننده اصول و بنیان خانواده بشمار می آیند. برخی از این مسائل که بطور مشترک در اسلام (فقه اسلام) و هم در حقوق ایران به آنها پرداخته شده، ازدواج (دائم-موقت)، شرایط نکاح، جایگاه زن در خانواده، تکالیف و حقوق زن و مرد، شروط ضمن عقد، تمکین، نفقه، طلاق و.... هستند، که هر کدام آثار خاصی بر نظام حقوق و تکالیف مرتبط دارد.

برای نمونه رضایت دو طرف، شرعاً شرط نفوذ عقد نکاح است. رضایت ولی برای دختر (باکره) زمانی مدنظر است که دختر رضایت داشته باشد و عدم رضایت از سوی پدر بدون دلیل موجه ساقط می‌باشد. این مورد در فقه اسلام «عضل» نامیده شده است (طوسی، 1400، 456). طبق ماده 1044 قانون مدنی نیز، بنا به عدم حضور پدر در محل عقد و بنا به شرطی که دختر به ازدواج نیاز داشته باشد، این اجازه به دختر داده می‌شود که با اثبات امر در دادگاه ازدواج نماید، و این ماده آزادی عمل بیشتری در حق انتخاب به دختر داده است. در نمونه‌ای دیگر درباره وجوه «ازدواج دوم زوج و گواهی عدم امکان سازش» که در واقع تعارضی بین حقوق منبعث از شرایط ضمن عقد و حق زوج در انتفاع از مزایای رابطه زوجیت است، بایستی حاکمیت زیرساخت حقوقی ایجاد نماید که در این باره نشست قضایی 1383/07/05 بیان می‌دارد:

«نظر به این که طبق بند (3) اصل 21 قانون اساسی ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده از وظایف دولت محسوب شده است، که بر اساس این اصل تکلیف محاکم آن است که حتی المقدور از متلاشی شدن خانواده‌ها پیشگیری کنند. لذا شرط ضمن عقد نکاح را باید در جهت و با هدف تشدید مبانی خانواده و حفظ حقوق زوجین تلقی کرد ... از این رو در تعارض بین تخلف یک اصلی که اطاعت و تمکین زن است و دیگری فرعی که شرط ضمن عقد است، اصل منوط اعتبار بوده و فرع کاربردی نخواهد داشت».

نیک واضح است که تشخیص مصالح و حل چنین مسائل و نزاعات خانواده را نمی‌توان بدون تعیین و تعیین حقوق و تکالیف با پیش بینی زیرساختهای حقوقی به خود افراد سپرد. قوانین بین المللی در مورد تعدد زوجات ساکت بوده و طبق ماده 16 کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان حق ورود به ازدواج یکسان مطرح شده است. این در حالی است که در متون فقه اسلام چند همسری برای مرد (فقط مرد) تحت شرایطی قابل قبول می‌باشد بدین صورت که حداکثر چهار همسر با ازدواج دائم و هیچ محدودیتی برای ازدواج موقت ترسیم نشده است. در قانون مدنی ایران حکمی در این خصوص وضع نشده اما در قانون حمایت از خانواده تاکید شده که ازدواج مجدد مرد با داشتن زن محدود باید باشد و صرفاً تحت شرایطی می‌تواند جایز باشد. صرف نظر از مواد قانونی با توجه مبانی فقهی و قرآنی، اصل در نظام خانواده بر دائمی بودن ازدواج و تک همسری می‌باشد که از این طریق بتوان بنیان و کیان خانواده را حفظ نمود. امام خمینی نیز فرموده‌اند: «رسیدگی

موکول است به محاکم صالحه در جمهوری اسلامی، و تا شرعاً ثابت نشود که عقد انقطاع خوانده شده، حکم عقد دائم مترتب می شود» (موسوی خمینی، 1392، ج 8، ص 605)

شمار دیگری از زیرساختهای حقوقی تحکیم خانواده توجه به متغیرهایی است که گرچه ذاتاً ارتباطی به تشکیل خانواده ندارند، ولی قطعاً با تاثیرات اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی می توانند به زوال امنیت روانی یا تزلزل در خانواده بیانجامند. برای مثال فقه اسلام، نکاح مسلمان با غیرمسلمان جایز نیست (علامه حلی، 1388، ص 1223) این در حالی است که قانون مدنی نسبت به قسمی که مرد مسلمان و زن غیرمسلمان باشد ساکت است. با وجود دلالت ماده 1059 قانون مدنی مبنی بر ممنوعیت ازدواج زن مسلمه بامرد غیرمسلمه، و همچنین سکوت درباره انفساخ عقد نکاح، پس از مسلمان شدن زوجه و بقای زوج بر کفر (محقق داماد، 1386، ص 158). بنابراین در بسیاری از این شقوق و امثال آن می توان به منابع فقهی رجوع نمود.

این زیرساختهای حقوقی برای تحکیم ازدواج در جاهای مختلف دیگری در حقوق ایران قابل جستجو است. مطابق ماده 1060 قانون مدنی «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». آنچه از آن به عنوان اجازه دولت نام برده شده در واقع همان زیرساختهای حقوقی است. دولت بایستی مصلحت طرفین و جامعه را از تشکیل چنین خانواده‌ای احراز نماید. برای مثال شورای عالی قضایی در بخشنامه‌ای با عنوان «ضوابط و مقررات ازدواج اتباع خارجی با زنان» در تاریخ 1366/12/18 بعد از اجلاس ۴۰۶-۱۲،۱۶-۶۶ خطاب به کلیه مقامات قضایی سراسر کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک اعلام داشت:

«اطلاعات واصله به شورای عالی قضایی حکایت از این دارد که عدم رعایت مقررات مربوط به ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی، مشکلات بسیاری را برای این زنان و خانواده آنها و اطفال ناشی از این ازدواجها فراهم آورده است؛ لذا لزوماً متذکرمی گردد ... قوانین مربوطه باید دقیقاً اجرا و رعایت شوند...» (قوانین مربوطه عبارتند از مفاد ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب 23 مرداد ۱۳۱۰ و ماده 1059 و 1060 مبنی بر غیرمسلمان نبودن مرد و تعقیب کیفری افرادی که اذن از دولت اخذ نکنند).

از این رو به طور کلی به نظر می‌رسد زیرساختهای حقوقی برای اصول تحکیم خانواده در اسلام وجود دارد.

2-4- قوانین و سیاست‌های حمایتی از بنیان خانواده

قوانین جمهوری اسلامی ایران، سعی دارد از خانواده در مقابل کاستی‌ها و آسیب‌های اجتماعی محافظت و حمایت نماید. در اصل 10 قانون اساسی آمده است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به خانواده باید در جهت آسان کردن تشکیل آن، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. تعدد سیاست‌ها، قوانین و لوایحی که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با نهاد خانواده ارائه شده‌اند شاهدهی بر این ادعاست (حسینی و عزیز، 1395، ص 7).

قوانین و برنامه‌ها و سیاست‌های متعددی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تحکیم بنیان و اصول اساسی خانواده وضع و تدوین گردیده و بعضاً برخی از آنان به اقتضای زمان نیز اصلاح گردیده‌اند. در سال 1361، اصلاحات در خصوص ممنوعیت نکاح نابالغ، نکاح دختر با اذن ولی، شرایط قیمومیت ... مطرح و وضع گردید. در خصوص تحکیم مبانی خانواده، در سال 1362، برنامه‌ای تحت عنوان خدمت نیمه‌وقت بانوان با هدف مساعدت در جهت برقراری تناسب میان اشتغال و خانواده وضع گردید. در سال 1363 در راستای حمایت از حقوق زن در خانواده، بحث اجباری بودن نفقه در صورت وجود آن مورد بررسی قرار گرفت. در خصوص حمایت بیشتر از اصول خانواده در قانون استخدام کشوری و بازنشستگی، در مرخصی‌ها و سابقه خدمت زنان برای بازنشستگی توجه ویژه‌ای شده است. همچنین در سال 1375 قانونی تحت عنوان بازدارندگی از جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، در راستای حمایت از حقوق شرعی ازدواج و خانواده تصویب گردید. در سال 1383 دو سیاست کلی در راستای تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن و تسهیل اشتغال و ازدواج و مبارزه با آسیب‌های مبتلا به جوانان تدوین شد. طی سال‌های 1383 تا 1386 نیز سیاست‌ها، آیین‌نامه و طرح‌های اجرایی و قوانین دیگری در راستای تسهیل ازدواج، حمایت از حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان، تقویت نهاد خانواده، تداوم کارکرد الگوی سلامی و ایرانی خانواده تدوین و وضع شده است که همگی نشان از اهمیت اصول بنیادین خانواده در جامعه ایرانی دارد.

در میان اسناد بالادستی سیاست‌های کلی «خانواده» ابلاغی مقام معظم رهبری در سال 1395 به ابعاد مهمی از این سیاست‌های حمایتی اشاره دارد که بسیاری از آنها فعلاً در عمل مطمح نظر قرار نگرفته است. برای مثال در راستای ضرورت تشکیل خانواده، تشویق و تسهیل ازدواج زنان سرپرست خانوار (بند 14 سیاست‌های کلی خانواده) مورد تاکید واقع شده، اما در عمل در بعد فرهنگی و ... کنش خاصی مشاهده نمی‌شود.

3- بحث و نتیجه گیری

اسلام، خانواده را مرکز تعالی روحی و مادی و محوریت تحکیم آن را مودت و اخلاق می‌داند و با وضع حقوق و تکالیف اخلاق‌مدارانه متقابل برای زن، مرد و فرزند سعی در حفظ بنیان و اصول خانواده داشته است. قوانین مدنی و حقوقی ایران نیز مبتنی بر فقه اسلام، همین رویکرد را اتخاذ کرده‌اند. هماهنگی احکام و قوانین مربوط به ازدواج، با یکدیگر از یک سو و تناسب آنها با واقعیت‌های تکوینی موجود در زن و مرد، چهره فقه شریعت اسلام را موجه می‌سازد. در خصوص قوانین ایران چون اختلافی در مبانی با شریعت اسلام وجود ندارد تربیت و سلوک و تحکیم بنیان خانواده تا حد امکان به این جهت گیری پایبند می‌باشد.

در این مقاله، عوامل موثر بر تشکیل و تحکیم خانواده از دیدگاه آموزه‌های اسلامی مورد بحث قرار گرفت. خانواده به مثابه یک ساختار منسجم مبتنی بر نیازهای مادی و معنوی و الهی، برای نیل به یک میثاق غلیظ نیازمند اسباب و معداتی در تشکیل، تضامینی از جنس اخلاق و مودت، تعیین این تضامین در ساحت حق و تکلیف، و همچنین حمایت‌های قوای حکومتی دارد. این چهار محور را به استناد برخی آیات و روایات و یا احکام فقها تبیین شدند و سپس قوانین مرتبط که برخاسته از فقه اسلامی یا در راستای اهداف فقه اسلامی می‌باشد، تبیین گردید. در نهایت با مذاقه در در مورد محتوا و اهداف اصول بنیادین خانواده از دیدگاه حقوقی و فقه اسلامی، یافته‌ها تحلیلی نشان داد:

برنامه‌ها و قوانین و سیاست‌های ایران در حوزه خانواده و بنیان آن بجز در موارد اندکی همسو با آموزه‌های اسلامی و فقه اسلامی است.

بخشی از سیاستها و قوانین زیرساختی و حمایتی مع الاسف در مقام اجرا مقتضای تحققشان پدید نیامده یا ناقص پدید آمده است. برای مثال حمایت از زنان بی سرپرست که جزو برنامه‌های جمهوری اسلامی (کمیته امداد امام خمینی(ره)) می باشد گرچه توانسته از برخی از آسیب‌های اجتماعی در جامعه جلوگیری نماید، اما برای ازدواج آنان گام موثر و متقنی در امور اجرایی مشاهده نمی‌شود.

مسئولین ذی ربط با نهاد خانواده در کلیه حوزه‌های اقتصادی-اجتماعی-سیاسی-فرهنگی-آموزشی، راهکارهایی را در قالب برنامه/سیاست/قوانین وضع نموده‌اند، که بتواند اصول و بنیان خانواده را حفظ کرده و خانواده را از گزند آسیب‌های اجتماعی در امان قرار دهد. اما بسیاری از آنها متناسب با نیاز نبوده و به نحو منتظمدر حال پیگیری و تحقق نمی‌باشند. برای مثال وزارت ورزش و جوانان 3 الی 5 جلسه به نحو تفرعی امکام مشاوره قبل از ازدواج را برای جوانان فراهم کرده است، اما به دلیل ضعف اطلاع رسانی و فرهنگسازی و عدم الزام قانونی به آن استقبال درخوری وجود ندارد. لذا در جامعه‌ای که جوانان بدون مشاوره و آموزش وارد زندگی مشترک شوند، مستعد هستند که در شروع و ادامه زندگی دچار چالش شوند. سیاست اقتصادی و برنامه مالی برای ازدواج جوانان نیز کم و بیش به نقایصی متناظر دچار است که موجب پدید آمدن نسل مجرد پیر خواهد شد.

با توجه به اینکه بخش اعظم این پژوهش با یک روش توصیفی-تحلیلی با نقل از منابع کتابخانه‌ای بوده است، یک تحقیق پیمایشی و نظرسنجی در بررسی عوامل موثر بر تحکیم خانواده می‌تواند امری مطلوب باشد. موضوع و محور این تحقیقات می‌تواند سیاست‌سنجی و اقدام پژوهی سیاستهای موجود باشد. برای مثال سهم تاثیر نهادهای حاکمیتی در نقش‌آفرینی بابت مدیریت آسیب‌های اجتماعی در متزلزل کردن اصول/بنیان خانواده‌ها، مدیریت فضای مجازی و مخاطرات آن مانند اعتیاد به فضای مجازی، مسائل نوجوان و جوانان و

4- منابع

- 1) قرآن کریم
- 2) ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1404
- 3) ارحامی، آسیه، باجلان، اکرم، ارزیابی عملکرد بند «الف» تبصره (16) قانون بودجه 1402 کل کشور: تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و تولد فرزنده، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس، 1402
- 4) انپاری، کیهان، نقش و وظایف مدیریتی زن و مرد در تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه فقه اسلامی، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، 1395
- 5) بحرینی، زهرا، فلسفه ازدواج در اسلام، نشریه دیدار آشنا، شماره 10، فروردین و اردیبهشت 1378
- 6) بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: طریق القدس، 1361
- 7) بی‌باک، فرشید، پورمعروف، محمد، نجاری، مسعود، و مولانایی، گلاره، نقش مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی، نخستین همایش پژوهش در روانشناسی و علوم رفتاری ایران، تهران، 1396
- 8) حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تحقیق ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا
- 9) حسن زاده، صالح، عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره 4، شماره 15، اسفند 1392
- 10) حسینی، سید حسن، عزیزی، مینا، بررسی قوانین و سیاست های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، مطالعات زن و خانواده، دوره 4، شماره 1، 1395
- 11) خاکی، مینو، خلاء مشاوره قبل از ازدواج در قانون حمایت خانواده، نشریه خانواده درمانی کاربردی، دوره 3، شماره 3، پیاپی 12، 1401
- 12) زرعی، محمد مهدی، عبدالهی، عبدالکریم، جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال 40، شماره پیاپی 81(1)، پاییز و زمستان 1387
- 13) سادات نعیمی، طاهره، خادمی، مریم، موسوی مقدم، سید محمد، مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال 6، شماره 11، پاییز و زمستان 1393
- 14) شجاعی، محمد حسین، رحمان سرشت، حسین، بررسی تأثیر نوع دوستی و تعارض در رابطه بر قابلیت یادگیری سازمانی در کارکنان دانشگاه علامه طباطبائی، نشریه پژوهشهای رهبری و مدیریت آموزشی، شماره 10، 1395
- 15) طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، 1370
- 16) طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، 1400
- 17) علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: موسسه ال بیت، 1388.
- 18) محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، 1386

- 19) محمدزاده اصل، محمد، تحکیم نهاد خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تحقق حقوق شهروندی. همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، 1395، قابل دسترسی در: [SID. https://sid.ir/paper/893250/fa](https://sid.ir/paper/893250/fa)
- 20) موسوی خمینی، سیدروح‌الله، استفتائات امام خمینی (کتاب النکاح)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1392